



خیام شناخت

محسن فرزانه، سازمان خوشه، ۱۳۵۳، قطع: وزیری، ۲۳۴ صفحه.

۱. مضامین اصلی

۱-۱. آغاز سخن. توضیح درباره‌ی شهرت جهانی خیام و اشاره به حکایتی که خاقانی در منشآت خود درباره‌ی پایگاه علمی و دانش خیام نقل کرده است با توضیحاتی کوتاه درباره‌ی مطالب کتاب حاضر (صص ۱۰-۱۳).

۱-۲. فصلی زیرعنوان «رباعی های الحاقی یا رباعی هایی که از خیام نیست» (صص ۱۴-۵۹). اشاره به خیام پژوهانی مانند ژوکوفسکی، کریستن سن، فردریک روزن، رمپیس و سوامی گوویندا تیرته که درباره‌ی رباعیات سیار یا سرگردان خیام تحقیق کرده‌اند و بررسی رباعیات الحاقی خیام که در مجموعه آثار دیگر شاعران دیده می‌شود، از جمله: سلمان ساوجی، مولوی، سراج الدین قمری آملی، کمال الدین اسماعیل، خواجه نصیرالدین طوسی، مهستی گنجوی، خواجه عبدالله انصاری، جامی، سعدی، مجد همگر، حافظ، سنایی و ...



چون در گذرم به باده شویید مرا
تلقین ز شراب و جام گوید مرا
خواهید به روز حشر یابید مرا
از خاک در میکده جوید مرا

ظاهراً مفهوم رباعی را ظریفی از ابیات این قصیده ی منوچهری اقتباس کرده است:

آزاده رفیقان منا گر بمرم من
از سرخ ترین باده بشوید تن من ...
در سایه‌ی رز اندر گوری بکنیدم
تا نیک ترین جایی باشد وطن من ...



حشر و تلقین از اصطلاحات خیام نیست و نمی‌تواند گفته‌ی او باشد. این رباعی به سبک گویندگان قرن هشتم بیشتر می‌ماند (صص ۱۸-۱۹).

ای چرخ و فلک خرابی از کینه‌ی توست
بیدادگری عادت دیرینه توست
ای خاک اگر سینه‌ی تو بشکافند
بس دانه‌ی قیمتی که در سینه‌ی توست

مهستی گنجوی (معاصر سلطان سنجر)

(دیوان چ تهران، ۱۳۳۶) ولی به این دیوان اعتمادی نیست، این رباعی به افضل الدین کاشانی نیز منسوب است (ص ۲۱).

آنانکه محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون
گفتند فسانه‌ی او و در خواب شدند

در مجموعه‌ی رباعیات فلسفی و عرفانی کتابخانه‌ی نواب اختر (هندوستان) مورخ ۱۱۰۶ به مجیرالدین بیلقانی نسبت داده شده (خ. تیرتهه) لیکن در تذکره‌ی دولت‌شاه سمرقندی مؤلف ۸۹۲ (ص ۵۵۸)، بی ذکر نام گوینده و در کشکول شیخ بهایی با عنوان گوینده شناخته نشد، آورده شده است (ص ۲۹).

۳-۱. بخش دوم: ترجمه‌ی احوال (بررسی زندگی نامه‌ی خیام) (صص ۶۱-۱۳۱).

۱-۳-۱. توضیح درباره‌ی تولد و وفات خیام و اشاره به حکایت سه یار دبستانی و تأکید بر این مطلب که تاریخ تولد خیام ۴۳۹ هجری مطابق با ۱۰۴۸ میلادی است (صص ۶۱-۷۳). بررسی منابعی که می‌توان به کمک آن‌ها تاریخ وفات خیام را روشن ساخت.



گروه فرهنگی سایه خیال

۱-۳-۲. نگاهی به سرگذشت عمر خیام (صص ۴۷-۸۱). «... از قراین چنین بر می آید که عمر پس از تحصیل مقدمات به سبب هوش و درایت با جدی تمام به تکمیل علمی چون ریاضی و نجوم و طب و فلسفه تا حد استادی پرداخته است... و پدرش را در هیجده سالگی از دست داد و ناگزیر از ترک تحصیل برای امرار معاش شد...» (صص ۷۶-۷۷).

۱-۳-۳. بررسی منابع، اسناد و افرادی که به کمک آن‌ها می‌توان ابعادی از زندگی شخصیت و اندیشه‌ی خیام را شناسایی کرد. از جمله منابعی مانند تاریخ الحکما ابن قفطی، رساله‌ی در علم کلیات وجود خیام، تاریخ نگارستان قاضی احمد کاشانی، بستان السیاحه طالب آملی و افرادی چون ابن سینا، سنایی، غزالی، ناصر خسرو و خواجه نظام الملک (صص ۸۲-۱۳۳).

«... گزارش قفطی را چنین می‌توان تجزیه و تحلیل و خلاصه کرد:

عمر خیام بسیار دانا و صاحب معلومات بود.

علوم یونانی را تا حد تعلیم می‌دانست.

نظریه‌ی فلسفی خاصی داشت.

تا حد پیشوایی خراسان مشهور بود.

مملکت داری را با اصول یونانی تشویق می‌کرد.

شعرهایی سروده که همان رباعی‌ها است...» (صص ۸۳-۸۴).

«... موضوعی که دولتشاه سمرقندی راجع به خیام عنوان کرده اظهار و قیاس خواجه نصیرالدین طوسی وزیر معروف هلاکوست. او می‌نویسد: اما حکیم عمر خیام نیشابوری بسیار فاضل بوده ... سلاطین عصر او را عزیز داشتندی و گویند سلطان سنجر او را در پهلوی خود بر تخت نشانندی و خواجه نصیرالدین این صورت را به عرض هلاکوخان رسانید که فضل من صد برابر عمر خیام است...» (ص ۸۹).

«اگر عمر خیام از افادات فلسفی ابن سینا و معاضدات مادی خواجه نظام الملک و افکار و اندیشه‌های ناصر خسرو بهره گرفت، از غزالی جز نگرانی و ناآرامی نصیبی نبرد... مستنبط از این گزارش‌ها (دو حکایتی که در آن به شیوه‌ی برخورد خیام و غزالی اشاره شده است) آن که امام محمد غزالی:



گروه فرهنگی سایه خیال

قسمتی از معقولات را نزد خیام آموخته.

بر ادب پارسی و عربی چیره بود.

در علم دین یگانه ی زمانه.

از علمی چون حکمت، طب، نجوم، ریاضی فاقد اطلاع و سررشته بوده.

جاه طلب خودخواه حتی مرعوب دستگاه و قدرت بوده.

تلفیق معقول و منقول کرده یا به زعم برخی تصوف را در شریعت وارد کرده است. آن چه در تاریخ الحکمای ابن قفطی درباره ی خیام و عقایدش آمده مرتبط با همین ماجرای نای زنان و طبالان است. به نتیجه هر دو نوشته صحیح است و عین حقیقت و مبین رفتار امام محمد غزالی با خیام و مبارزه ی پنهانی و سرانجام تحریک مردم نادان زمان علیه اوست تا حدی که عرصه بر حکیم نیشابور تنگ شده ناگزیر از فرار از آن شهر می گردد...» (ص ۱۲۱).

۴-۱. بخش سوم: رباعی های خیام (صص ۱۳۴-۲۲۳). ذکر رباعی های اصیل خیام به ترتیب تاریخ درج در متون مانند سندبادنامه ی ظهیری سمرقندی، الهی نامه ی عطار نیشابوری، راحه الصدور راوندی، التنبیه فخر رازی و مرصاد العباد نجم الدین رازی، نزهه المجالس جمال الدین خلیل شروانی، تاریخ گزیده ی حمدالله مستوفی مجموعه ی ۷۵۰ کتابخانه ی مجلس شورای اسلامی، تاریخ نامه ی هرات سیفی هروی، اخلاق الاشراف عیید زاکانی، مونس الاحرار فی دقایق الاشعار میرزا محمد قزوینی و بررسی چگونگی تأثیرگذاری خیام بر شاعرانی مانند ظهیرالدین سمرقندی، شیخ فریدالدین عطار، ابن یمین فریومدی و خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی که بیش از دیگر شاعران از افکار و فلسفه ی خیام متأثرند... چنان که از دیوان ابن یمین بر می آید، در بیان مطالب صراحتی دارد و در عین حال اعتقادی به خیام و فلسفه ی او، ظاهر است که رباعی های خیام را مطالعه کرده و رباعی هایی به اقتفا و پیروی او و گاه با همان ترکیبات سروده است، ولی ابن یمین را آن پایه و مایه علمی نبوده لذا در حدی متوسط از برخی اشارات فلسفی خیام اقتباس و پیروی کرده است... از جمله این رباعی این یمین:

رفتند و ز رفتگان یکی نامد باز

تا با تو بگوید سخن از پرده ی راز

کارت ز نیاز می گشاید نه نماز

بازیچه بود نماز بی صدق و نیاز



گروه فرهنگی سایه خیال

خیام:

از جمله‌ی رفتگان آن راه دراز
باز آمده‌ای کو که به ما گوید راز

چنان که ملاحظه می‌شود بیت اول رباعی ابن یمین همان بیت اول خیام است با تبدیل و تغییر چند کلمه ...» (صص ۱۸۵-۱۸۶).

«سخن دانی به لطافت و ذوق او (حافظ) تاکنون نیامده است، چه لفظ و کلام را چون گوهر در نگین افکارش نشانده نوعی رئالیسم و اومانیزم را می‌ستاید. این تمایل فلسفی به شهادت اشعارش متأثر از خیام است و چنان است که خواجه را در استخدام و به کار گرفتن اصطلاحات و ترکیبات رباعی های خیام تعمدی در کار است.

حافظ:

حدیث از مطرب و می گو و راز دهر کم تر جو
که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما را

خیام:

ای دل تو به ادراک معما نرسی
در نکته‌ی زیرکان دانا نرسی
این جا به می و لعل بهشتی می ساز
کان جا که بهشت است رسی یا نرسی ...»
(ص ۱۹۲).

۱-۴-۱. ذکر ۷۰ رباعی از رباعی های خیام (صص ۲۰۶-۲۲۳).

۵-۱. بخش چهارم: خیام چه می گوید؟ (صص ۲۲۴-۲۳۴). نگاهی به محتوا و مضامین برخی از رباعی های خیام و معرفی کوتاه تعدادی از مکاتب فلسفی یونان مانند ارفیسم، آناکسیمن، هراکلیت، کلمبیان، رواقیات، شکاکان، اپیکوریان. تأکید بر آگاهی خیام از این مکاتب و بهره‌گیری و تأثیرپذیری او از اندیشه‌های زرتشتی و ایران باستان و اعتقادات زروانی: «عمر خیام ضمن تلفیق



گروه فرهنگی سایه خیال

الهامات فلسفی یونانی و ایرانی، فلسفه‌ی خاص خود را ارائه و عرضه کرده است. ملاحظه می‌شود که از ایده آلیسم و پندارگرایی اثری نیست. مخالف سرسخت ارفیسم و فیثاغورسیان است. با معتقدان به بقای روح میانه‌ای ندارد. محتوای فلسفی اش ماده‌گرایی اتمی متمایل به نوعی عرفان قشری است که تحول و تبدل و حرکت بلا انقطاع ماده را توجیه می‌کند و چون دوران تحولات را کوتاه می‌داند، انسانی را که عین مجموعه‌ای از ذرات عناصر است در عین خردگرایی به خوشی و اغتمام فرصت راهبر است...» (ص ۲۳۳).

۲. منابع اصلی

- رباعیات خیام. دیوان حافظ. کلیات عبید زاکانی. دیوان ابن یمین فریومدی. نزهة المجالس شهرزوری. مونس الاحرار.

۳. اشاره

این کتاب پس از کتاب «مردی از نیشابور»، دومین کوشش پسندیده‌ی پژوهشگر ارجمند، محسن فرزانه است که درباره‌ی زندگی و شخصیت خیام نوشته است. در آغاز کتاب نویسنده تأکید کرده که کوشیده است سخنان تازه‌ای بگوید و برای شناخت خیام و آثار او، بیشتر مطالب به بررسی رباعی‌های الحاقی خیام و برخی اسناد و منابع تازه که نگارنده به آن‌ها پی برده اختصاص یافته است. درباره‌ی رباعی‌های الحاقی یا سیار و سرگردان خیام، ژوکوفسکی و کریستن سن نیز پیشتر مطالبی نوشته‌اند و پیشینه‌ی برخی از رباعیات الحاقی را باز یافته و معرفی کرده‌اند. به نظر می‌رسد اگر در این بخش نوعی دسته‌بندی در رباعی‌های الحاقی صورت می‌گرفت، نظام شایسته‌تری می‌یافت. برای نمونه، رباعی‌هایی که در دیوان اشعار دو یا چند شاعر ثبت شده از رباعی‌هایی که تنها به یک شاعر نسبت داده شده جدا می‌شدند. همچنین رباعی‌هایی که در تذکره‌ها بدون ذکر گوینده آمده‌اند و روشن نیست چه کسی گوینده‌ی آن‌هاست از رباعی‌هایی که گویندگان آن‌ها روشن است جدا می‌شدند.

همچنین در این بخش تأکید شده هر رباعی که به شاعری دیگر غیر از خیام منسوب شده است، رباعی الحاقی به شمار می‌رود و از فهرست رباعیات اصیل خیام حذف می‌شود. آیا می‌توان تنها به دلیل این که یک رباعی افزون بر انتساب به شاعرانی دیگر هم منتسب است از شمار رباعیات اصیل خیام حذف کرد؟ برای شناخت رباعی‌های اصیل خیام باید افزون بر بهره‌گیری از اسناد و منابع تاریخی از پژوهش‌های زبان‌شناختی و سبک‌شناسی نوین بهره گرفت و تنها به دلایلی مانند دلایل پیش گفته بسنده نکرد.



گروه فرهنگی سایه خیال

بخش دوم کتاب به بحث درباره‌ی زندگی و احوال خیام با توجه به اسناد و منابع تازه‌ای که نویسنده به آن‌ها دست یافته، پرداخته شده است. برخی از این مطالب، مانند معمایی که در تذکره‌ی نصرآبادی درباره‌ی نام خیام گفته شده و رباعی یغمای جندقی و رباعی شاه اسلام محمداف درباره‌ی خیام، در خور توجه است.

تنظیم مطالب این بخش از کتاب، نیز می‌توانست شایسته‌تر از وضع موجود باشد و ارزش آن را افزایش دهد، اما بحث درباره‌ی منابع و اشخاص با یکدیگر درهم آمیخته شده است، برای نمونه در یک بخش درباره‌ی چگونگی ارتباط با ابن سینا و خیام سخن گفته شده و در یک قسمت درباره‌ی سخنان ابن قفطی درباره‌ی خیام و در یک جا درباره‌ی درستی انتساب رساله‌ی در علم کلیات وجود به خیام در جای دیگر درباره‌ی حکایتی در تذکره الشعرا دولتشاه سمرقندی سخن گفته شده که در آن خواجه نصیرالدین طوسی خود را با خیام مقایسه می‌کند و نگارنده نتیجه می‌گیرد که سخن خواجه نصیرالدین طوسی درست نیست. در جایی دیگر درباره‌ی درستی پیش‌بینی وضع هوا از سوی خیام با استناد به حکایتی در تاریخ نگارستان و پس از آن به معمای خیام در تذکره‌ی نصرآبادی و رباعی یغمای جندقی درباره‌ی خیام و سپس سخن کیوان قزوینی درباره‌ی رباعیات خیام پرداخته شده. این شیوه‌ی پرداخت، مطالب این بخش از کتاب را آشفته کرده است.

در بخش سوم که رباعی‌های اصیل خیام نقل شده، نگارنده بر آن است که تا زمان او، کسی جز صادق هدایت و محمدعلی فروغی به شیوه‌ای علمی دست به گزینش رباعی‌های اصیل خیام نزده است و او در این اثر می‌خواهد به شیوه‌ای کاملاً علمی این کار را انجام دهد و برای این منظور به جست‌وجو و کندوکاو در متون گذشته پرداخته و از این طریق به رباعیات اصیل خیام پی برده است. به راستی شناخت بی‌چون و چرای رباعیات اصیل خیام موضوعی نیست که با این کتاب به پایان رسیده باشد و پرونده‌ی جنجالی آن بسته شده باشد. در این کتاب آثار دیگر خیام، برای شناخت بیشتر او، بررسی نشده است، اما با این همه، کتاب یکی دیگر از نوشته‌های ارزشمندی است که بخشی از تاریکی‌های خیام پژوهی را روشن می‌کند. آقای محسن فرزانه از خیام پژوهان ارجمند است که آثار متعددی در پیوند با خیام این شاعر آورده و برگ‌های ارزشمندی بر کارنامه‌ی خیام شناسی افزوده است.



۴. تأثیرات و پاسخ‌ها

- ۱-۴. نگاهی به خیام همراه با رباعیات، فردین مهاجر شیروانی، حسن شایگان، ۱۳۷۰، انتشارات پویش، چاپ اول، صص ۱۰ و ۲۲ و ۲۲۲ و ۲۲۶ و ۲۳۰.
- ۲-۴. مؤلف نوروزنامه کیست؟، محسن فرزانه، مجله ی آینده، سال دهم، ۱۳۶۳، ص ۷۷۲.
- ۳-۴. سیمای خیام، فتح الله همایون فر، کتاب فروشی فروغی، ۱۳۵۵، صص ۲۵ و ۵۸ و ۱۲۶.
- ۴-۴. سیمای خیام، فتح الله همایون فر، کتاب فروشی فروغی، ۱۳۵۵، صص ۱۳ و ۱۴۰-۱۴۱.
- ۵-۴. عمرخیام، علی رضا ذکاوتی قراگزلو، طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۸۶.
- ۶-۴. رباعیات نادره ی ایام خیام، پژوهش و نگارش محمد زمان فراست، ۱۳۸۱، چاپ دوم، انتشارات پژوهش، ص ۱۹۱.
- ۷-۴. خیام نامه (شرح رباعیات خیام)، اصغر برزی، انتشارات اعظم بنات، ۱۳۷۶، صص ۷ و ۳۹.
- ۸-۴. خیام و ترانه ها، مسعود خیام، تهران، نشر نخستین، ۱۳۷۵، (ص) ۵۷ و ۱۰۳-۱۰۶.
- ۹-۴. نگاهی به خیام همراه با رباعیات، فردین مهاجر شیروانی، حسن شایگان، ۱۳۷۰، انتشارات پویش، چاپ اول، ص ۱۰.

عمر خیام و سیمای خیام